

متن پرسش

سلام استاد عزیز: گاهی که امام خمینی رحمت الله علیه یا علمای دیگر را می‌خواهم به عنوان الگو و یک زندگی مطلوب انتخاب کنم دچار یک نوع بی میلی می‌شوم چرا که در زندگی این بزرگان وارد شده مثلا ۱۸ ساعت مطالعه داشتند و یا مثلا یک دقیقه هم حتی سر سفره از کتاب یا قرآن استفاده می‌کردند که وقت هدر نرود و یا... با این وضعیت کی برای خانواده وقت می‌گذاشتند کی با همسر صحبت می‌کردند؟ کی به تربیت فرزند صحبت با فرزند گوش کردن حرف آنها کی با دوستان بودند کی به کوه و دشت و استفاده از آیات آفاقی و...؟ آیا انسان اگر بخواهد به مقامات این بزرگان برسد در آخرت باید حتما مانند ایشان این قدر مطالعه و ... باشد؟ ۲- اگر دانشجویی که حالا طلبه شده و بالتبع با سن ۲۶ سال هنوز پایه دوم است اگر بخواهد به نهایت کمالی که می‌تواند برسد، برسد چقدر باید به تفریح حلال چقدر زمان برای همسر بگذارد؟ آیا می‌شود که فردی روزانه ۴ ساعت از ۲۴ ساعت برای همسر قرار دهد و به نهایت کمال برسد؟ اگر آری آیا و چرا بزرگان این طور بودند؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- یکی از مشکلاتی که در سیره‌نویسی‌ها می‌بینیم همین است که وجهی از شخصیت افراد بزرگ را برجسته می‌کنند و بزرگی آن‌ها را که به جهت تعادل در امور انسانی بوده متذکر نمی‌شوند! فکر می‌کنم به همین جهت رسول خدا «صلوات الله علیه وآله» در آن روایت مشهور می‌فرماید: «حُبَّبَ إِلَيَّ مِنَ الدُّنْيَا ثَلَاثُ النِّسَاءِ وَ الطَّيِّبُ وَ قُرَّةُ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ» برای من پسندیده شده از دنیا سه چیز: زنان، و بوی خوش، و نور چشم من در نماز است. تا برای بشریت معلوم کنند اسوه‌ی شما، انسان متعادلی است و در همین رابطه مولوی در وصف رسول خدا «صلوات الله علیه وآله» می‌گوید: «نه بشر بودی و نه خسته ز خاک / ای بشیر ما، بشر بودی و پاک». ۲- وقتی انسان در مسیر صحیح قرار گرفت ۲۶ سال که سهل است، اگر ۹۰ ساله هم باشد افقی از نورانیت را در مقابل خود می‌یابد که همه‌ی هستی او را تشکیل می‌دهد. موفق باشید